

دولت شیعی سربداران

پس از مرگ ابوسعید آخرین ایلخان مغول در سال ۷۳۶ و ایجاد هرج و مرج، حکومت‌های مستقلی در حوزه نفوذ ایلخانان شکل گرفت: چوپانیان در عراق عجم و آذربایجان، جلایریان در عراق عرب، طغای تیمور در گرگان و غرب خراسان، آل کرت در خراسان شرقی، آل مظفر در کرمان و یزد، اینجویان در فارس، اتابکان لر در لرستان و امیرنشینان فراوان در گیلان و مازندران. در این زمان طغای تیمور مدعی ایلخانی بود. خراسان میان او و آل کرت تقسیم شده بود. خاندان «جانی قربانی» از طوایف مغول در طوس حکومت می کردند. در منطقه حدفاصل بین این سه قدرت؛ یعنی سبزوار، دامغان و سمنان، نوعی خلاء قدرت وجود داشت که سربداران این خلاء را پر کردند.

شیخ خلیفه مازندرانی، رهبر جنبش سیاسی صوفیانه با هدف مبارزه با مغولان و فساد حاکم بر مناسبات اجتماعی از آمل به سبزوار آمد و به ارشاد مردم پرداخت.

دیدگاه‌های دینی و سیاسی شیخ، خشم اشراف و مغولان را برانگیخت. همین امر همراه با اختلافات مذهبی علمای خراسان، منجر به قتل شیخ خلیفه در مسجد سبزوار در سال ۷۳۶ شد.

شیخ حسن جوری، شاگرد شیخ خلیفه پس از وی مبلغ دیدگاه‌های استاد شد. به همین دلیل از شهری به شهری تعقیب می شد. شیخ حسن به همراه جمعی از یارانش در یازر دستگیر شد و پس از مدتی آزاد و به سبزوار آمد. در این زمان سربداران نهضت خود را آغاز کرده بودند. آغاز شورش سربداران در پی کشته شدن فرستادگان مالیاتی بود که در روستای باشتین از توابع بیهق به شرابخواری پرداخته بودند و قصد تجاوز به ناموس مردم را داشتند.

امیر عبدالرزاق باشتینی که رهبری این قیام مردمی را برعهده گرفت در همان ابتدا شعار نهضت را این چنین اعلام کرد: «به مردی، سر خود را بر دار دیدن، هزار بار بهتر که به نامردی کشته شدن». از این روی این نهضت به سربداران مشهور شد.

اولین برخورد سربداران با سپاه هزار نفری علاء الدین محمد به سال ۷۳۶ بود که به پیروزی عبدالرزاق انجامید و او در سال ۷۳۷ بر مسند قدرت قرار گرفت.

عبدالرزاق سبزوار را تصرف کرد و دولت سربداران اعلام موجودیت کرد. او دو سال و چند ماه امارت کرد و در نهایت به دست برادرش وجیه الدین مسعود کشته شد. وجیه الدین مسعود، شیخ حسن جوری را از حبس ارغون شاه آزاد کرد و در حکومت شرکت داد. بدین ترتیب جنبش مذهبی شیخیان با حکومت سربداران پیوند خورد. در جنگ امیر مسعود با ارغون شاه جانی

قربانی در ۷۳۹، ارغون شکست خورد و نیشابور به دست سربداران افتاد. لشکر طغای تیمور نیز در سال ۷۴۲ و ۷۴۳ در نبرد با سربداران شکست خورد. در این زمان افزون بر خراسان محدوده ای در فاصله بسطام، دامغان، سمنان و جاجرم تحت سلطه سربداران بود.

در سال ۷۴۳ در زاوه، نبردی میان آل کرت و سربداران رخ داد. در همین جنگ بود که شیخ حسن جوری با توطئه امیرمسعود و به دست یکی از سربداران کشته شد. در این نبرد، به رغم آن که در آغاز، مسیر جنگ به نفع سربداران پیش می رفت، اما با شهادت شیخ حسن نتیجه جنگ عوض شد و سربداران از آل کرت شکست خوردند.

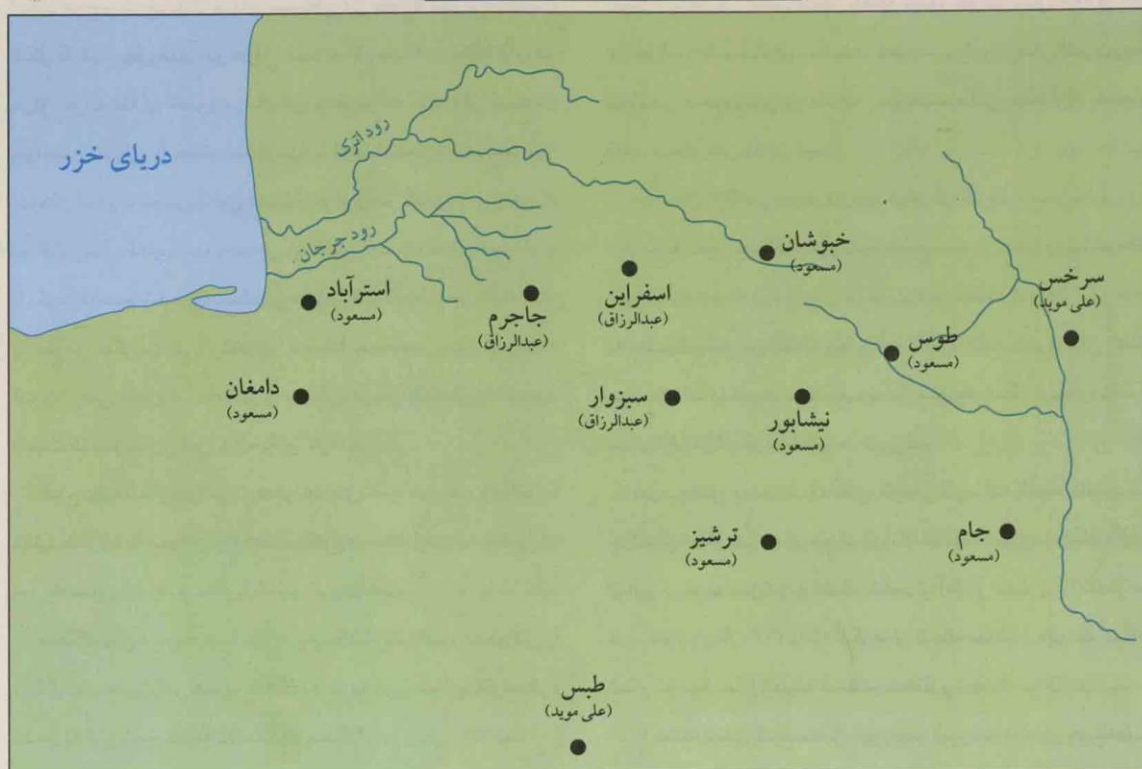
نبرد بعدی مسعود با طغای تیمور بود که قصد داشت به خراسان برگردد. طغای در استرآباد شکست خورد. مسعود پس از این نبرد به مازندران لشکر کشید و آمل و ساری را تصرف کرد. اما در سال ۷۴۴ یا ۷۴۵ گرفتار توطئه حکام محلی مازندران شد و توسط جلال الدوله اسکندر حاکم رستمدر به قتل رسید.

با کشته شدن شیخ حسن جوری و امیرمسعود در یک فاصله زمانی کوتاه، آشفتگی و اختلاف در مسأله رهبری میان سربداران پدید آمد. آی تیمور از سرهنگان امیر مسعود جانشین او شد. وی تلاش زیادی در بازگرداندن بخشی از متصرفات سربداران انجام داد. همچنین کوشید بنیه نظامی دولت سربداران را تقویت کند. وی بیشتر، از جناح سربدار حمایت کرد تا شیخیان. به این ترتیب جناح درویشان مورد بی مهری قرار گرفت. وی دو سال بعد در ۷۴۷ به قتل رسید.

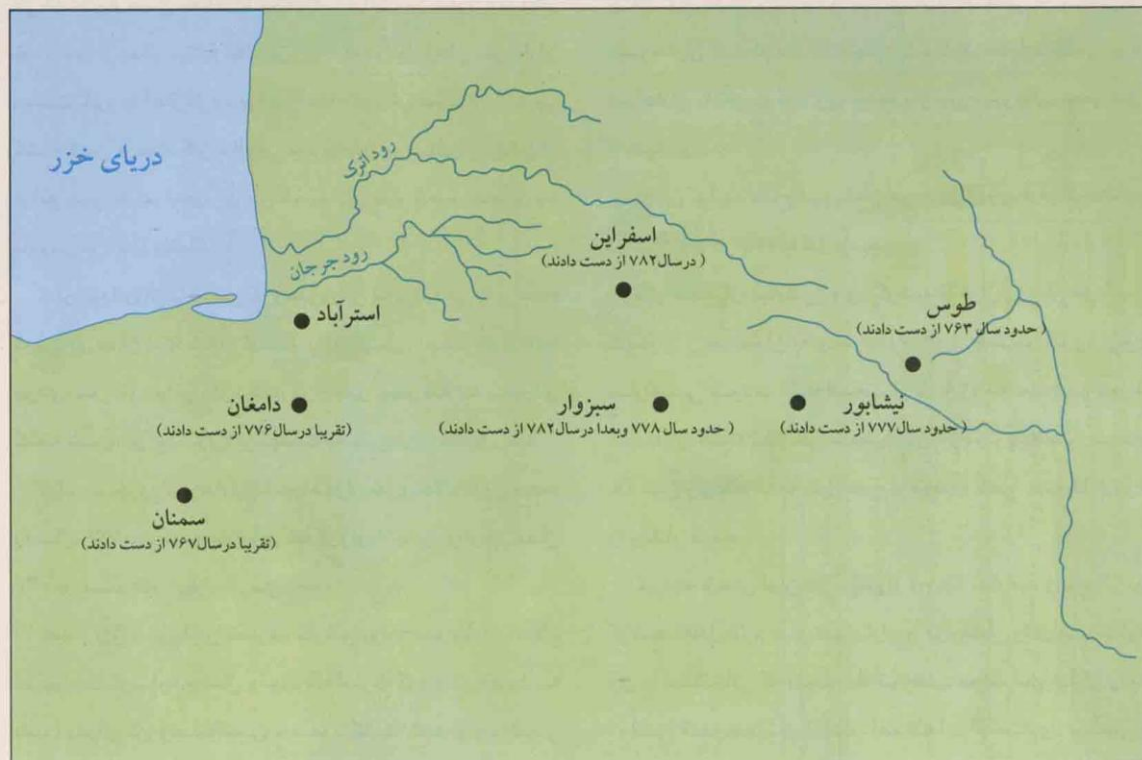
کلواسفندیار، جانشین وی، کوشید تا توازی میان دو گروه شیخیان و سربداران به وجود آورد. هر چند دو گروه از وی ناراضی بودند. کلواسفندیار در ۷۴۸ به دست دو نفر از سربداران کشته شد. علی شمس الدین، برادر وجیه الدین مسعودجانشین وی شد که به دلیل عدم توانمندی کافی، سربداران وی را برکنار کردند.

خواجه شمس الدین علی، پس از وی به حکومت رسید. او نیز کوشید تعادل لازم میان سربداران و درویشان را فراهم سازد. وی با اصلاحاتی که انجام داد توانست دولت سربداران را به دولتی قدرتمند تبدیل کند. اصلاحات اقتصادی، مالیاتی و بازسازی نیروهای نظامی و نیز اجرای دستورات شریعت از جمله اقدامات وی بود.

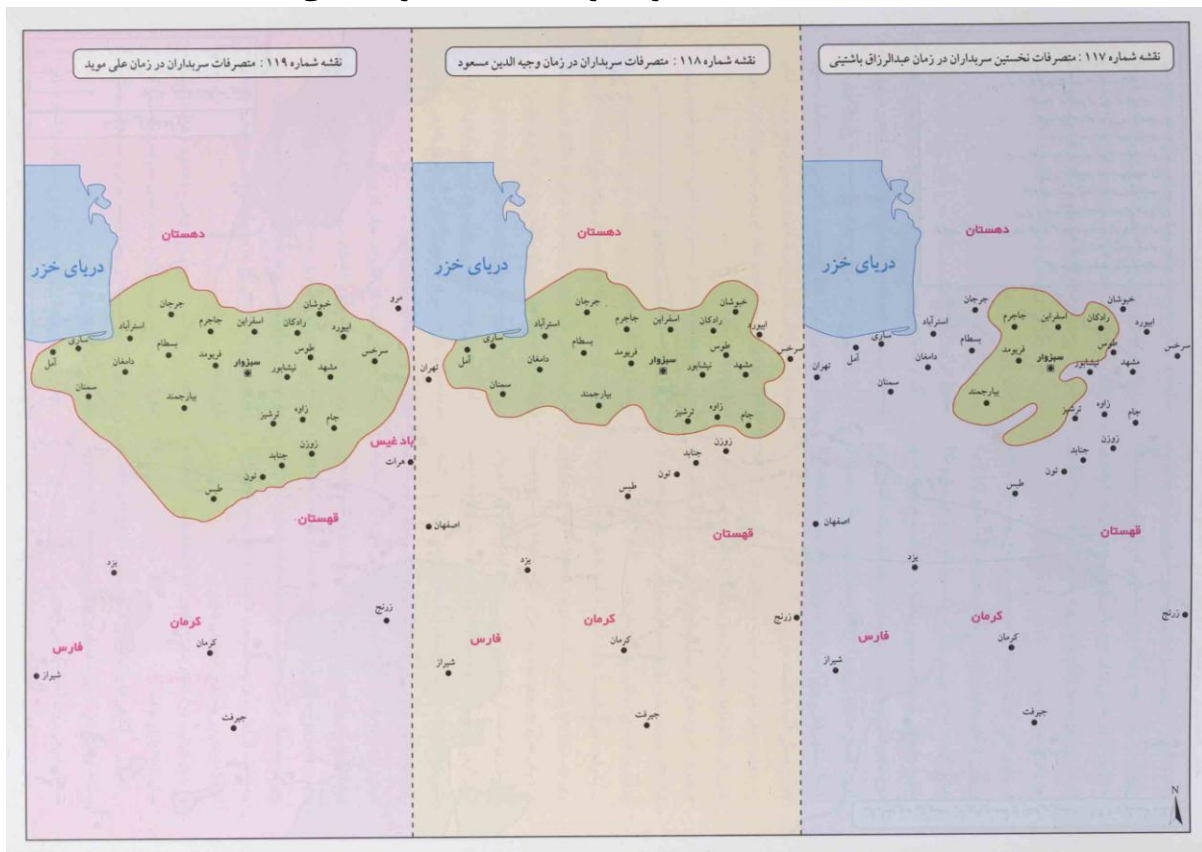
نقشه شماره ۱۱۵: توسعه متصرفات سربداران



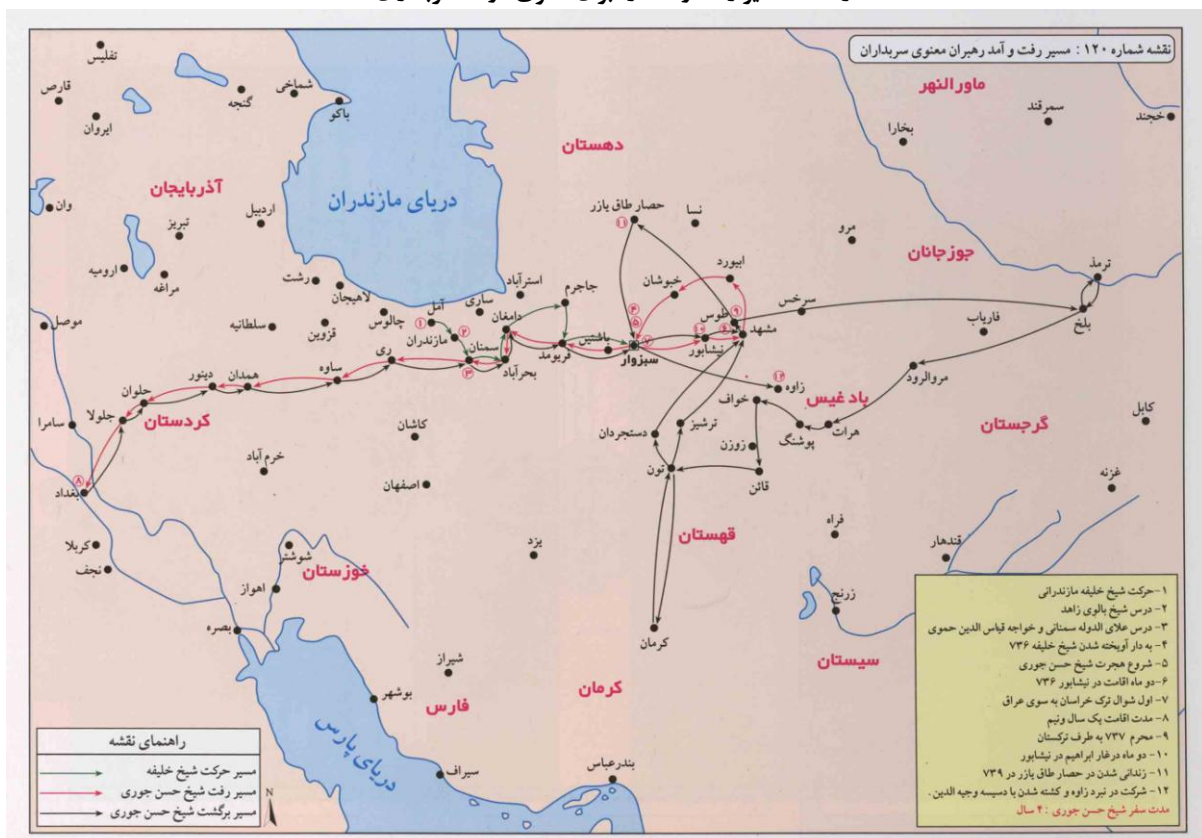
نقشه شماره ۱۱۶: اضمحلال سربداران



نقشه های شماره ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ متصرفات سربداران در زمان عبدالرزاق باشتینی و....



نقشه شماره ۱۲۰: مسیر رفت و آمد رهبران معنوی دولت سربداران



حیدر قصاب از سرهنگان سربداری در ۷۵۲ خواجه را به قتل رساند. پس از وی سربداران، یحیی کرابی را به حکومت رساندند. وی در بُعد دینداری و اجتماعی اصلاحاتی انجام داد. همچنین شهر طوس را از امیرجانی قربانی پس گرفت. مهمترین اقدام او از بین بردن طغای تیمور بود. کرابی با توطئه سرهنگان و بزرگان به قتل رسید.

ظهیرالدین کرابی با حمایت حیدرقصاب، ۴۰ روز حکومت کرد و چون قابلیت های لازم را نداشت حیدرقصاب حکومت را به دست گرفت؛ اما او نیز در زمان محاصره قلعه اسفراین با توطئه حسن دامغانی کشته شد. سپس لطف الله، فرزند مسعود که مدتها در انتظار امارت بود به قدرت رسید. اما تنها یک سال و اندی دوام آورد. حسن دامغانی وی را به قلعه دستجردان فرستاد و در سال ۷۵۹ دستور قتل وی را صادر کرد. وی در چند جنگ، شرکت کرد که در همگی آنها شکست خورد.

خواجه علی مؤید از غیبت دامغانی که برای فرونشاندن شورش حاکم قلعه شغان از سبزواری خارج شده بود استفاده کرد و قدرت را به دست گرفت. وی شیخ عزیز مجدی را درکنار خود قرار داد. خواجه علی مؤید بادوام ترین امیر سربداری است که از درایت و شجاعت بالایی برخوردار بود.

خواجه علی مؤید تا حمله تیمور و فتح کامل خراسان توسط وی به سال ۷۸۳ بر این منطقه حکومت کرد. از اقدامات وی: قتل درویش عزیز جوری، تخریب مزار شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری است. از اتفاقات دیگر دوران او، شورش درویش رکن الدین بر ضد خواجه در ۷۷۷ و تصرف سبزواری به دست درویشان در ۷۷۸ بود. دو سال بعد خواجه علی مؤید با کمک نیروهای امیروالی، وی را شکست داد و به سبزواری برگشت. تیمور در ۷۸۳ به خراسان آمد، خواجه علی مؤید را از امارت برداشت و کار را به دست شیخ داوود سبزواری و شیخ یحیی سپرد. بدین ترتیب کار امارت به دست شیخیان افتاد. شیخیان پس از یک سال و اندی عصیان کرده و نماینده تیمور را به قتل رساندند. از این روی پسر تیمور، لشکری را برای سرکوب آنها تدارک دید و بر سبزواری مستولی شد.

بدین ترتیب دولت سربداران که در ۷۳۶ ایجاد شده بود، در سال ۷۸۳ پایان یافت. افزون بر آگاهی های تاریخی ما در باره تشیع سربداران، سکه های فراوانی از این سلسله برجای مانده است که علائم و شعائر شیعی روی آنها دیده می شود.

پس از سکه های خدابنده، سربداران دومین سلسله ای هستند که نام دوازده امام را روی سکه های خویش ضرب کردند. سکه های زمان حسن دامغانی با تاریخ های میان ۷۶۱ - ۷۶۶ که در اسفراین ضرب شده، نمونه هایی از این نوع سکه شیعی است. همچنین سکه هایی از خواجه علی مؤید با تاریخ ۷۷۵ ضرب استرآباد در دست داریم که صلواتیه دوازده امام روی آنها حک شده است (بنگرید: خروج و عروج سربداران: ۲۱۶؛ سکه های اسلامی ایران، ترابی طباطبائی، ۱۰۴)